

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ •
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ •
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ •
چاپ: مصیم •
تلفن: ۴۴۵۲۳۲۷۵

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۷ مهر ۱۴۰۱ • ۱۲ ربیع‌الاول ۱۴۴۴ • ۹ اکتبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۸۹ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۲ • اذان مغرب ۱۷:۵۵
اذان صبح فردا ۴:۴۲ • طلوع آفتاب ۶:۰۶

شترت

سوته‌دلان - علی حاتمی - ۱۳۵۶

سعید نیکپور(کریم): چشم شیطان کر توپ توپم، این مال و منال مفتی همچین هلو برو تو گلو گیر نومد، حاصل به عمر جوب‌گردیده، آقامون ظروفچی بود، خودمون ششدم جوب‌چی، آقا مجید ظروفچی، جوب‌چی، میخ زنگ‌زده، زنجیر زنگ‌زده، نارزانه زنگ‌زده، ساعته زنگ‌زده، حواستو جمع کن ساعت زنگ‌زده دیکه زنگ نمی‌زنه، چون زنگاشو زده!

دیالوگ روز

پنج‌ره شهر

رفتار خصمانه مسئولان با اینترنت



زهرا نژادبهرام

شهر برگرفته از منابع و مصارف، شهر برگرفته از ارتباط و تعامل و تفاهم و انسجام است. شهرهایی که در جهان در حال شکل‌گیری هستند، تصویر متفاوتی از شهرهای گذشته را نشان داده‌اند که پیش‌تر قابل تصور نبود. بیوستگی شهروندان در عین فردگرایی در عین تعامل و تفاهم در عین استقلال، بستری است که شهرهای جدید از آن برخودارند. شهرهای قرن ۲۱ متفاوت از قرن بیستم هستند. اگر در قرن بیستم، آتمیزه‌شدن انسان و دغدغه‌ها و نگرانی‌ها مورد توجه برنامه‌ریزان و تصمیم‌سازان بود، در شهرهای قرن ۲۱، این تصویر متفاوت است. ما شاهد نوعی هم‌گرایی هستیم و در شهرهای قرن ۲۱ به دلیل رواج اینترنت، جامعه شهری تصویر متفاوتی را به نمایش گذاشته است.

مشخص است اینترنت توانسته مانند آب و برق، به عنوان منبع اصلی برای حیات شهرها محسوب شود و بر شهرها تأثیرگذاری جدی داشته باشد. شهرهای قرن ۲۱ به اینترنت وابسته هستند و آن برای حیات شهر لازم و ضروری است. بارقه اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و فرهنگی در تمام شهرهاست. امروز بحث اینترنت و تبدیل شهرها به شهرهای هوشمند، در اولویت اکثر سیاست‌گذاری شهرها قرار دارد. اگر روزی چراغ اینترنت در شهرها به دلایلی کند یا خاموش شود، بخش زیادی از فعالیت‌ها در شهرها با دشواری و توقف روبه‌رو می‌شود؛ از رفت‌وآمد گرفته تا خدمات شهری و از خدمات بانکی تا آموزشی و پژوهشی، از خدمات درمانی و بهداشتی، حتی کنترل ترافیک، آلودگی هوا و… نیازمند اینترنت هستند و ظرفیت اینترنت در خدمت شهر تبیین شده است.

گذشته از تمام اینها، تجاربی را که در دو سال سیزه کرونا توانستیم در شهرهایمان به دست بیاوریم، نباید فراموش کنیم و از خاطر ببریم. آموزش‌های غیرحضوری برای مدارس و دانشگاه‌ها نشان داد که چطور ظرفیت اینترنت توانست به کودکان و جوانان ما کمک کند. با خدمات فروش آنلاین برای مایحتاج روزانه مردم، یا اطلاع‌رسانی درباره واکسن و خدمات پزشکی در مدت کرونا که از طریق اینترنت توانست برای بسیاری از بیماران و خانواده‌ها کمک‌کننده باشد.

اینترنت در این مدت که رفت‌وآمد محدود شده بود، امکان می‌داد که خانواده‌ها با فرزندان و دوستان با یکدیگر از طریق شبکه‌های اجتماعی با هم در ارتباط بودند. شبکه‌های اجتماعی هدیه اینترنت بود که توانسته بود شهر را از خودگی، سکون و ناشادایی نجات دهد. از این‌رو، وقتی دوران پساکرونا آغاز شد، روابط بین مردم همچنان برقرار بود و بهره‌گیری از ظرفیت‌های شهرها انجام گرفته بود و شهروندان توانسته بودند کامیاب خدماتی را دریافت کنند. زندگی متوقف نشده بود و مردم راحت‌تر توانسته به آن بازگردند. اینترنت در شهر خوراک اصلی محسوب می‌شود؛ مثل برق و آب برای شهر می‌ماند. جایگاه اینترنت برای یک شهر قرن بیست‌ویکم، جایگاه متفاوتی است؛ جای دوره‌های ما، جای آموزش، جای خدمات بهداشتی، جای اقدامات کاری و بانکی را پر کرده و ظرفیت کم‌نظیری در اختیار شهرها قرار داده است.

سؤال اینجاست که چطور ما با اینترنت و این همه فواید و خدماتی که در اختیار شهروندان قرار می‌دهد، خصمانه روبه‌رو می‌شویم و معتقدیم فضای مجازی دشمن شهر ماست. نه، اینترنت دوست ماست و همان‌طور که مصرف بیش از اندازه آب و دست‌زدن به سیم لخت برق و… می‌تواند مشکلاتی به همراه داشته باشد، اینترنت هم مانند آنها است.

نمی‌توان از اصل بودن اینترنت، از اصل ضروری بودن اینترنت دفاع نکرد. نمی‌توان از اصل برطرف‌کردن مشکلات و دغدغه‌هایی که در قرن بیستم برای شهروندان قابل بودیم، دفاع نکرد. اینترنت نوعی تعامل و همبستگی بین شهروندان برقرار کرده و دغدغه و نگرانی‌های بسیاری را برای شهروندان برطرف کرده و در عین حال روابط بیشتری را خلق کرده و از آتمیزه‌شدن شهروندان جلوگیری کرده است. شهرهای قرن بیست‌ویکمی بسیار زیباتر، دلنشین‌تر، جذاب‌تر و مهربان‌تر از شهرهای قرن بیستمی هستند. شهرهای قرن بیستم نماد توسعه صنعتی بودند درحالی‌که شهرهای قرن بیست‌ویکمی نماد توسعه فناوری هستند؛ چیزی که در خدمت انسان است، نه اینکه انسان در خدمت آن باشد.

محمّد نوسینده، **رئیس مرکز وکلای آستان قزوین**؛ همان‌طور

که حتماً شنیده‌اید، قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکارها یکی از موضوعات پربحث چند ماه اخیر در میان سیاستون و همچنین حقوق‌دان‌ها بوده و واکنش‌های زیادی را به همراه داشته است. در اینجا به صراحت می‌گویم که تصویب قوانین غیرکارشناسی آثار جبران‌ناپذیری در بسیاری از حوزه‌ها خواهد داشت. از جمله تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکارها خسارت جبران‌ناپذیری در عرصه وکالت دارد. نمایندگان مجلس پیش از تصویب هر قانونی می‌توانند از مشورت اعضای مرکز وکلا استفاده کنند تا قوانین موجب حل مشکلات مردم شود و مشکلی بر مشکلات مردم اضافه نکنند. مهم‌ترین ابزار یک وکیل قانون است؛ یک وکیل با زبان و قلم خود شرافتمندانه از حقوق موکلش دفاع می‌کند. همه می‌دانیم که قوانین موجب نظم اجتماع می‌شود. قوانین با دقت بیشتر و متناسب با نیازها و مقتضیات زمان و مکان تصویب می‌شوند تا نیازهای مردم را حل کنند؛ بنابراین تدوین قوانین درست ضرورت دارد. در برخی جوامع، قوانین ناکارآمد به تصویب می‌رسند و یک وکیل به ناچار باید بر اساس چارچوب‌های قانونی از موکل خود دفاع کند. جایگاه وکالت جایگاهی نیست که یک

گردشگری

گردشگری؛ زمینه‌ساز صلح و توسعه

رضا کلبانی؛ یکی از راهکارهای مهم برای برون‌رفت از وضعیت آتکا به درآمد‌های اقتصاد تک‌محصولی در هر جامعه‌ای، روی‌آوری به «صنعت گردشگری» است که بنا بر توانمندی در سطوح مختلف اقتصادی، عمرانی، فرهنگی، جاذبه‌های تاریخی، تنوع منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی، بهره‌مندی از فناوری و همچنین نیروهای خلاق و دغدغه‌مند انسانی، در هر کشوری میزان پیشرفت متفاوتی را می‌توان در نظر گرفت. مهم‌ترین و شاید ابتدایی‌ترین نکته در مسیر تقویت صنعت گردشگری، توجه به «ذات میان‌بخشی» بودن این وادی است. به دیگر سخن، گردشگری از نمی‌توان به یک موضوع و ساحت خاص محدود دانست و پیشرفت آن را فقط در عملکرد یک نهاد قلمداد کرد. با توجه به تنوع موضوعات و اقلیم، این ظرفیت وجود دارد که موضوع را در بخش‌های مختلف تعمیم داد. برای مثال پرداختن به سرفصل‌های متنوعی چون گردشگری علمی، گردشگری تاریخی، گردشگری اقتصادی، گردشگری محیط زیست، گردشگری تغذیه، گردشگری کودک، گردشگری روستایی، گردشگری نمایشگاهی و جشنواره‌ای و… (با توجه به پتانسیل‌های فراوان در جای‌جای ایران ظرفیت اضافه‌کردن عناوین جدید نیز وجود دارد) که هر یک تلنگری را بر اذهان پرستشگر وکششگر ایجاد می‌کند، اما از سویی دیگر اجرای صحیح سیاست‌های گردشگری نیز در گرو انسجام‌بخشی میان دستگاه‌های مختلف دولتی مانند میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی، راه‌شهرسازی، هوشناسی، صداوسیما، هلال‌احمر، بهداشت و درمان، نیروهای انتظامی، بیمه و… در کنار سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌هاست. خاصه آنکه در سال‌های اخیر «تورهای مجازی» را پیش‌زمینه‌ای برای آشنایی و سپس رونق گردشگری در فضای حقیقی می‌دانیم و همین موضوع دستگاه‌های مرتبط با فناوری اطلاعات را نیز در دایره ارکان توسعه گردشگری قرار داده است.

صرف‌نظر از نقش تصدی‌گری، حمایتی و نظارتی دولت، بخش عمده‌ای از فعالیت در حوزه گردشگری بر عهده تشکل‌های مردمی است (آژانس‌ها و تورهای گردشگری خصوصی، هتل‌داران، صاحبان اقامتگاه‌های بوم‌گردی و حتی تشکل‌های حامی میراث فرهنگی و گردشگری) از این‌رو تقویت تعامل میان دولت با سایر بخش‌های مردمی، شفاف‌سازی مستمر و رسیدن به درک متقابل و عالمانه یعنی رفع بسیاری از موانع گردشگری… شکی نیست که در سایه تقویت اعتمادسازی، حرکت‌های «توسعه‌محور» اجتماعی صنفی و آموزش‌های روزآمد، تعدیل و به حداقل رساندن زمان رسیدگی‌های اداری و تسریع در پاسخ‌گویی دولت، نظارت دقیق و هدفمند، کمتر شاهد بروز برخی معضلات مانند پدیده «تورهای غیرمجاز» خواهیم بود. نباید از نظر دور داشت که ایپدیمی کرونا خسارت درخور توجهی به بخش‌های مختلف حوزه گردشگری وارد کرد؛ بنابراین شایسته است که روند ترمیم و جبران آنها با پویایی روزافزون طی شود. شاید در یک نگاه متعارف، صنعت گردشگری بیشتر از ذراوی «تفریح» و «توسعه اشتغال و درآمد» تحلیل شود، در‌عین‌حال با توجه به تأثیرات و کارکردهای مهم اجتماعی فرهنگی و حتی سیاسی، شایسته است «گردشگری» را یکی از زیرساخت‌های مهم توسعه و ار‌نهادن به سرمایه‌های اجتماعی دانست. در سطح روابط بین‌الملل، صنعت گردشگری کارکرد قابل‌اعتنایی در ایجاد بستر صلح و گفت‌وگو میان ملت‌ها دارد و در افق داخلی نیز می‌توان با نگاهی جامع و آینده‌نگر گردشگری را به مثابه حرکتی اجتماعی-فرهنگی در راستای عمق‌بخشیدن به گفت‌وگو میان فرهنگ‌های مناطق گوناگون مغتتم دانست. در کشور ما با وجود بهره‌مندی از سرمایه‌های متنوع اما به دلایل مختلف ممکن است مانند جزیره‌های پراکنده و دور از هم عمل کنیم؛ بیم آن می‌رود به دلیل عدم درک ضرورت‌های زمان و برخی سطحی‌نگری‌ها و پیش‌دوری‌های احتمالی ذهنیتی ناصواب درباره واقعیت‌های مختلف اجتماعی-فرهنگی بر افکار سایه افکند!

توسعه گردشگری در کشور ضمن تجلی توانمندی‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و… از حیث روحی‌پنداره‌های غلط را از اذهان دور و روحیه همدلی را افزون می‌کند و این می‌تواند گامی مؤثر در راستای تقویت تفاهم و توسعه در ایجاد مختلف ملی به‌شمار آید.

خسارت‌های جبران‌ناپذیر تصویب قانون تسهیل بروکالت

وکیل بتواند با دید نقادانه به قوانین بپردازد، یک وکیل در کسوت مصلح اجتماعی می‌تواند به قانون‌گذاران مشورت دهد اما نمایندگان مجلس این امر را نادیده می‌گیرند. گاهی به قوانین متروک و ناکارآمد انتقاد وجود دارد که برای برآورده‌شدن نیازهای جامعه باید رفع اشکال شوند؛ قوانینی که اخیراً به تصویب رسیدند دارای ایراداتی هستند لذا انتظار داریم قوانین با دید کارشناسی مورد بررسی قرار گیرند و دیدگاه کارشناسان حقوقی مورد اعتنا قرار گیرد. از مصادیق مهم این مسئله، تصویب قانون تسهیل صدور مجوز کسب‌وکار است که به عنوان قانون تسهیل شناخته می‌شود که باوجود تلاش مرکز وکلا در اردیبهشت ۱۴۰۱ به تصویب رسید. تصویب این قانون آثار جبران‌ناپذیری در حوزه وکالت خواهد داشت و بعضی نمایندگان مجلس با این دید که وکالت یک کسب‌وکار است این قانون را به تصویب رساندند. نباید وکیل را یک تاجر در نظر بگیریم که هدفش صرفاً کسب منفعت و سود باشد؛ شغل وکالت هم‌شان شغل قضاست؛ همه اطلاعات موکل در دست وکیل است و نباید او را فردی با هدف دستیابی به مقاصد اقتصادی در نظر بگیریم.

با تصویب قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار شاهد ورود خیل عظیم وکلا به جامعه خواهیم بود و پیش‌بینی

روزها

کودکان و تجربه ۹۰ درصد خسونت

این روزها از کودکان و نوجوانان نسل زد و دهه ۸۰ بسیار سخن گفته می‌شود. اینکه چرا به خیابان‌ها آمده‌اند، در تقویم رسمی ایران، ۱۶ مهر روز کودک نام گرفته است روزی که در سال‌های قبل برای بزرگداشتن جشن‌های متعددی برپا می‌شد، نهادهای مختلف و انجمن‌های فعال در حیطه کودک و نوجوان برای بزرگداشتش تدارکات گسترده می‌دیدند و در گوشه و کنار شهرها برنامه‌های خاص برای اجرای نمایش یا نمایش فیلم با بزرگاری کارگاه‌های مهارتی برپا می‌شد.

اما امسال همه چیز متفاوت است؛ خبری از این برنامه‌ها نیست و همه بزرگ‌تراها و فعالان این حیطه، حیران اتفاقات رخ‌زده و اندوهگین جان‌باختن تعدادی از نوجوانان کشور هستند.

برخی از نهادهای و فعالان مدنی سعی کردند با ارائه راهکارهایی خانواده‌ها را در این روزهای پرتلاقی برای تعامل با فرزندانشان آماده کنند، چند نفر از نام‌های آشنا درخواست آرامش و اعتراض بدون خسونت داشتند.

هنگامی که آمار ارائه‌شده در گفت‌وگوی شهلا کاظمی‌پور، جمعیت‌شناس با ایسنا را مرور می‌کنیم، با حقایقی دور از تصورمان مواجه می‌شویم. هرچند طبق کنوانسیون‌های بین‌المللی افراد زیر ۱۸ سال کودک محسوب می‌شوند، در این گفت‌وگو افراد زیر ۱۲ سال کودک نامیده شده‌اند و این موضوع از بار بزرگی که بر دوش دولتمردان قرار دارد، خبر می‌دهد. یک‌پنجم جمعیت کشور را کودکان زیر ۱۲ سال تشکیل می‌دهند، در این میان اما بررسی وضعیت «سلامت» و «بهداشت» این قشر حاکی از آن است که حدود ۱۰ درصد دچار کم‌روزی و حدود ۱۵ درصد دچار سوء تغذیه هستند. به تفکیک جنسیت حدود ۹ میلیون و ۳۰۰ هزار نفر از آنها پسر و هشت‌میلیون و ۷۰۰ هزار نفر دختر هستند. استان‌هایی مانند سیستان‌بلوچستان، هرمزگان و کهگیلویه‌وبویراحمد دارای بیشترین تعداد فرزند هستند و در گیلان، مازندران، مرکزی و تهران، سهم کودکان کمتر است. میانگین تعداد فرزندان در خانواده‌ها بین ۲.۵ تا سه فرزند است و از هر ۱.۵ خانوار حدود یک خانوار فرزند زیر ۱۲ سال دارد. پیش‌بینی شده حدود ۵۰۰ هزار کودک در کشور به مدرسه نرفته‌اند یا از تحصیل بازمانده‌اند. عمداً نرفتن کودکان به مدرسه به جز موضوع معلولیت، ناشی از «فقر» است. اما حدود نیم‌میلیون کودک علاوه ۵۰۰ هزار کودک غیرمحصل، کودکان محصلی هستند که کودک کارند و علاوه بر کارهای درسی در ساعات غیر از مدرسه کار هم می‌کنند؛ به این ترتیب به گفته این جمعیت‌شناس «اگر این افراد را هم در نظر بگیریم شاید حدود یک میلیون کودک کار در کشور داشته باشیم».

اما آیا امنیت کودکان رعایت می‌شود؟

کاظمی‌پور با اشاره به نتایج تحقیقی که چندی پیش در تهران انجام شده می‌گوید «۹۰ درصد کودکان خسونت‌های کلامی را تجربه کرده‌اند».

و نکته مهم دیگر، آینده‌ای است که در پیش‌روی کودکان است:

آلودگی‌های زیست‌محیطی و داشتن چند روز هوای پاک در سال سبب شده تا بیماری آسم در کودکان افزایش یابد و همین‌طور قد و وزن کودکان کمتر از استانداردهای جهانی است.

فراموش نکنیم که «فرزندآوری» طی چند سال گذشته تبلیغ می‌شود. حال باید دید با همه این شرایط و ابربحران‌هایی که مدام با آن در مقاطع مختلف روبه‌رو می‌شویم، چه آینده‌ای پیش‌روی کودکان و نوجوانان ایرانی است.



● **جشنی به مناسبت روز جهانی کودک در بخش خون بیمارستان کودک ۱۷ شهپوررشت برگزار شد.**
عکس: الهه فلاح بلندطبع/باشگاه خبرنگاران جوان

صلح‌خوانی

نام کدام برندگان صلح نوبل در یادمان ماند؟

چند روز از اعلام اسامی برندگان جایزه صلح نوبل گذشته است. هر سال همین حوالی در کنفرانس خبری که توسط کمیته انتخاب جایزه نوبل صلح در اسلو برگزار می‌شود، اسامی برندگان اعلام می‌شود. اما نکته‌ای که بارها درباره این جایزه اعلام شده، عدم تأثیرگذاری آن است. وقتی به نام برندگان آن در این سال‌ها توجه می‌کنیم به نظر می‌رسد در سال‌های اولیه بیشتر یک جایزه منطقه اسکاندیناوی و آمریکا بوده است؛ غیر از ۱۹۱۷ که به صلیب سرخ اهدا شد. صلیب سرخ ۱۹۶۳، کمیساریای عالی یاهندگان ۱۹۵۴، نوبینسف ۱۹۶۵ و سازمان غفو بین‌الملل ۱۹۷۷ سازمان‌های حقوق بشری جهانی بودند که این جایزه را دریافت کردند. در سال ۱۹۲۱ نیز «جین آدامز» به عنوان اولین زن برای فعالیت در زمینه اصلاحات اجتماعی و رهبری اتحادیه بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی آمریکا توانست این جایزه را دریافت کند. مارتین لوترکینگ به عنوان کششگر حقوق مدنی و سیاسی انتخاب شد. او وقت خود را برای شاخه‌های مختلف حقوق مدنی صرف کرد؛ از برابری در تحصیل تا تعیض اقتصادی اقلیت‌ها. کینگ همچنین راهبیمانی واشنگتن را سازماندهی کرد و در آنجا سخنرانی معروف «من یک رؤیا دارم» را انجام داد. «مادر ترزا» به عنوان بنیان‌گذار جمعیت مبلغان خیریه، «لخ والسلا» به عنوان کششگر حقوق بشر و «مخایلین گورباچف»، رئیس جمهور شوروی برای رهبری کردن رویه صلح‌آمیزی که امروزه نقش مهمی در جامعه بین‌الملل دارد، ازجمله برندگان این جایزه بودند. همین‌طور «الائینا لاما» برای مبارزه بدون خسونت اما مصرانه برای آزادی و ایستادگی و استفاده از راه‌حل‌های مبتنی بر روداری و احترام متقابل به منظور حفظ میراث تاریخی و فرهنگی مردمش و «نلسون ماندلا» برای تلاشش در جهت نابودی صلح‌آمیز رژیم آپارتاید و برای بنیان‌گذاری نهادهایی برای یک آفریقای جنوبی دموکراتیک جدید، این جایزه را دریافت کردند. در عین حال یاسر عرفات، شیمون پرز، اسحاق رابین، آنک سان سوچی، ال گور و باراک اوباما از دیگر برندگان جایزه نوبل هستند که به نظر می‌رسد در ادامه فعالیت‌های خود چندان موفق نبودند.

توجه به اوکراین از موسیقی تا نوبل

امسال این جایزه به یک فرد و دو سازمان حقوق بشر تعلق گرفت. به گفته بریت ریس اندرسن، رئیس کمیته انتخاب جایزه صلح نوبل، امسال این جایزه به آلس بیالیاتسکی، یک مدافع حقوق بشر؛ از بلاروس و سازمان حقوق بشر مموریال روسیه و مرکز آزادی‌های مدنی اوکراین که یک سازمان حقوق بشر اوکراینی است، تعلق گرفت که به خاطر تلاش در حمایت از حقوق شهروندی و توجه به «اهمیت حق انتقاد از قدرت و حمایت از حقوق اساسی شهروندان» انتخاب شده‌اند و همچنین از آنها برای مستندسازی «جنایات جنگی، نقض حقوق بشر و سوءاستفاده از قدرت» تقدیر شده است. از نظر کمیته انتخاب، این افراد «قهرمانان برجسته حقوق بشر، دموکراسی و همزیستی مسالمت‌آمیز» در کشورهای خود هستند.

آلس بیالیاتسکی یکی از برندگان جایزه صلح نوبل امسال از سال ۲۰۲۰ و پس از برگزاری یک تظاهرات گسترده علیه «الکساندر لوکاشنکو» در زندان است. او در سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ نیز به اتهام فرار مالیاتی در زندان بود. هرچند همواره این اتهام را رد می‌کرد. این مرد ۶۰ساله به عنوان بنیان‌گذار مرکز حقوق بشر ویاسنا (بهار) در بلاروس شناخته می‌شود. به گفته کمیته جایزه صلح نوبل او «زندگی خود را وقف ترویج دموکراسی و توسعه نروایح‌گازت روسیه بوده که به عنوان یکی از معدود رسانه‌های انتقادی و مستقل عقب‌نشینی نکرده است».

مرکز آزادی‌های مدنی اوکراین یکی از برندگان مشترک جایزه صلح نوبل امسال است که در سال ۲۰۰۷ و با هدف تشکیل یک سازمان فرامرزی در کریم فعالیت خود را آغاز کرده است. در واقع پس از فروپاشی شوروی رهبران سازمان‌های حقوق بشر ۹ کشور عضو این اتحادیه آن را تأسیس کردند. این مرکز از زمان تأسیس خود، آزار و شکنجه‌های سیاسی در کریمه اشغال‌شده توسط روسیه را زیر نظر داشته است و همچنین «جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت» را در از طول جنگ در دونباس مستند کرده و کمیسیون‌های بین‌المللی را برای آزادی زندانیان سیاسی کرملین سازماندهی کرده است. اکنون نیز در تلاش برای شناسایی و مستندسازی جنایات جنگی روسیه علیه غیرنظامیان اوکراینی است. از سوی دیگر کمیته انتخاب برنده صلح نوبل سازمان حقوق بشری مموریال در روسیه را نیز به عنوان برنده انتخاب کرده است. این سازمان راه سخت‌تری نسبت به همتای اوکراینی خود پیموده؛ چراکه مشغول جمع‌آوری مدرک درباره نقض حقوق بشر در روسیه حتی قبل از فروپاشی شوروی بوده است. این سازمان برای بیش از ۳۰ سال، برای بازایی خاطرات میلیون‌ها انسان بی‌گناهی که در دوران شوروی اعدام، زندانی یا تحت تعقیب قرار گرفتند، تلاش کرده و همواره با چالش از سوی دولت روبه‌رو بوده است و در نهایت در دسامبر ۲۰۲۱ دادگاه عالی روسیه دستور تعطیلی مموریال و شعبه‌های منطقه‌ای آن را صادر کرد. البته علاقه‌مندی کمیته انتخاب به روسیه زیاد است به طوری که سال پیش جایزه نوبل مشترکاً به ماریا رسا، روزنامه‌نگار فیلیپینی-آمریکایی و دیمیتری مرانف، روزنامه‌نگار روس رسید. مرانف سردبیر روزنامه نروایح‌گازت روسیه بوده که به عنوان یکی از معدود رسانه‌های انتقادی و مستقل روسیه شناخته می‌شود. «ماریا رسا» به عنوان مدیر و بنیان‌گذار سایت فیلیپینی رپلر است که ازجمله به نقد حکومت دست راستی رودیکو دو‌ترته پرداخته و استفاده هدفمند از اخبار جعلی در جهت اهداف سیاسی را فاش کرده است.

۱۰ میلیون کرون

اما نکته مهم در زمینه انتخاب برنده صلح نوبل که با دیگر برندگان فرق دارد در مورد نحوه برگزاری آن است که برخلاف پنج جایزه دیگر که در سوند انتخاب می‌شود، این جایزه توسط کمیته نوبل نرژو انتخاب می‌شود و انتخاب پنج عضو این کمیته توسط پارلمان نرژو صورت می‌گیرد تا بتوانند جایزه ۱۰ میلیون کرونی را اهدا کنند. آنها از بین اسامی‌ای که پیش‌تر توسط دانشگاهیان، استادان دانشگاه، دانشمندان، برندگان قبلی و اعضای دولت‌های ملی ارائه شده، سعی می‌کنند بهترین انتخاب را داشته باشند. سالانه حدود ۳۰۰ نامزد برای احراز این عنوان ارائه می‌شود. امسال این انتخاب‌ها از میان ۲۵۱ نفر افراد حقیقی و ۹۲ نامزد صورت گرفته و ۱۰ دسامبر در سالروز تولد آلفرد نوبل این جایزه اهدا می‌شود.